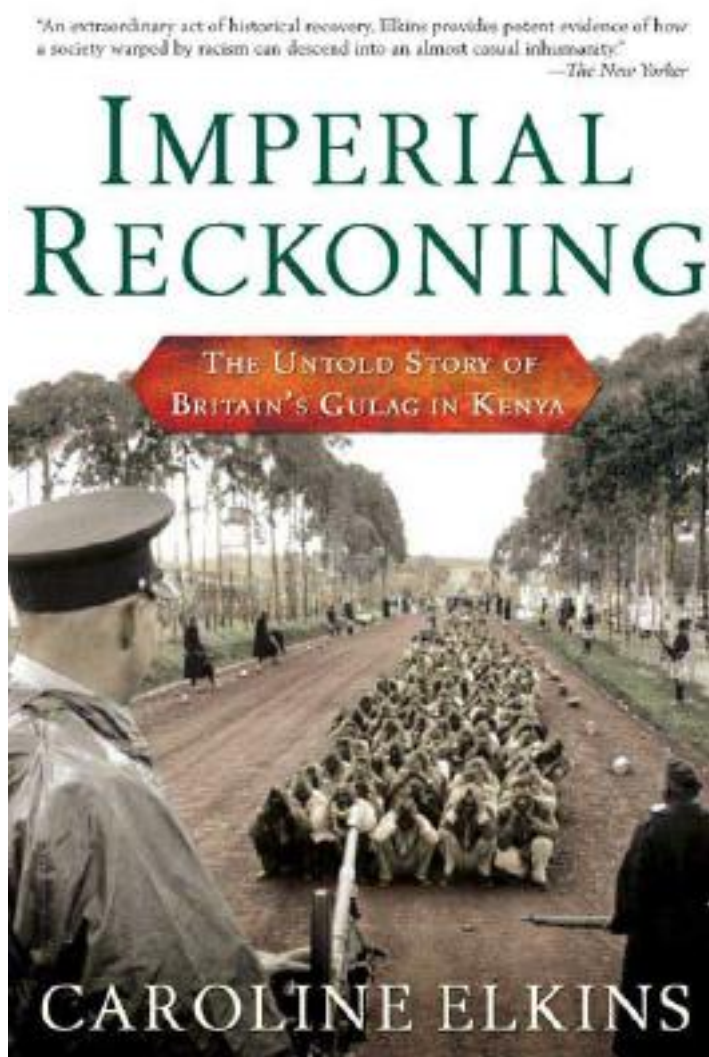


در باره‌ی عظمت ملکه الیزابت

معرفی کتاب «حکایت ناگفته‌ی گولاگ انگلیس در کنیا» نوشته‌ی کارولین الکینز

مهران زنگنه

دوره‌های خوشبختی در کتاب تاریخ جهان، صفحات خالی هستند. (هگل) باید به او افزود تاکنون!



طبعاً کسانی که با ادبیات جهان آشنا هستند، کتاب مجمع‌الجزائر گولاگ سولژنیتسین را می‌شناسند. کلمه روسی «گولاگ» حداقل در فارسی بین اهل ادبیات به اثر سولژنیتسین، توتالیتاریسم و دوران روسیه استالینی پیوند خورده است. برخی از کتاب‌های سولژنیتسین در واقع بررسی و سنجش انتقادی سیستم منضبطگر در روسیه به شکل ادبی هستند. آنچه در این کتاب‌ها اهمیت دارد نمایش سیستم مراقبه و تنبیه و روند منضبط کردن/شدن فرودستان توسط سولژنیتسین است، در این آثار منجمله روند تولید/بازتولید ترس به عنوان کارکرد سیستم دولتی و تولید رضای ناشی از ترس یعنی کارکرد ایدئولوژیک سرکوب در روند تضمین سلطه به نمایش درآمده است. باید بگویم ابتدا واژه‌ی گولاگ در کنار انگلیس

در عنوان فرعی کتاب خانم الکینز توجه مرا به کتاب جلب کرد.

کتاب «حکایت ناگفته‌ی گولاگ انگلیس در کنیا» نوشته‌ی کارولین الکینز این بار تاریخ‌نگارانه همان سیستم منضبطگر روسی اما نسخه‌ی انگلیسی آن را بررسی می‌کند. در مقام مقایسه سیستم انگلیسی یک تفاوت با سیستم روسی دارد. سیستم انگلیسی در عین حال راسیستی است. اگر در روسیه موضوع این سیستم سرکوب تولید انضباط عمومی بوده است، همه‌ی فرودستان بدون تبعیض در سرکوب برابر بودند و برای کار و مفید شدن تربیت مجدد می‌شدند، انگلیسی‌ها سیستم منضبطگر مذکور را فقط در مورد انسان‌های

درجه‌ی دوم اهالی (غیر انگلیسی) کلونی‌ها به کار بستند. نحوه‌ی مراقبه و تنبیه در انگلیس و ایضا آمریکا برمی‌گردد منجمله به ملیت و تمایز راسیستی بین اهالی جهان. (شکنجه در زندان ابوقریب عراق و گوانتانامو را به یاد بیاوریم). بر اساس رفتار دولتمردان این دو کشور می‌توان گفت اعلامیه‌ی حقوق بشر فقط برای اهالی مراکز سیستم «اعتبار» دارد، البته اگر از راسیسم آشکار و پنهان و تبعیض اجتماعی در خود این دو کشور صرف‌نظر کنیم.

خانم الکینز در کتاب فوق نشان می‌دهد گولاگ یک پدیده‌ی مختص به روسیه یا چین نیست. گولاگ انگلیس بعد از جنگ دوم جهانی در روند انتقال تدریجی رل هژمون از انگلیس به آمریکا سازمان یافته است. کتاب را خانم الکینز (استاد تاریخ دانشگاه هاروارد) اولین بار در سال ۲۰۰۵ منتشر کرده است. در این کتاب عمدتاً یکی از جنایات انگلیس در دوران ملکه الیزابت تصویر شده است که امروز از او در رسانه‌های جمعی اصلی غربی بی‌شرمانه به عنوان انسان دوست و تلاش سبانه‌ی کل رژیم او برای حفظ سلطه بر جهان را در زورق تمدن انگلیس بسته بندی می‌کنند. در این نمایش آیا اشاره‌ای به گولاگ انگلیس در زمانه‌ی او می‌شود؟ جواب روشن است. ادا. کتاب خانم الکینز تاریخ مختصر استعمار در آفریقا و بویژه کنیا است که در خطوط کلی قابل تعمیم به کل سیستم کلونیال است. در این کتاب کم و بیش روایت غارت و استثمار پیرامون‌های آفریقائی از ۱۸۹۶ شروع می‌شود. کشتار ساکنین بومی مدت‌ها پیش از اردوگاه‌های دهه‌ی ۵۰ و شکلگیری گولاگ در قرن ۱۹ شروع شده است. الکینز از یک ژنرال انگلیسی نقل می‌کند: «تنها یک راه برای بهبود [مائوئوها] ... وجود دارد و آن هم نابودی آنان است.» (مقایسه شود با «یهودی خوب، یهودی مرده است.») برای جزئیات باید به کتاب رجوع کرد.

نظم سیستم جهانی منوط به وجود امثال گولاگ یا اشکال پنهان‌تر به عنوان یک سیستم منضبطگر در مقیاس ملی و جهانی است، فقط در چین نیست که بر حسب روایت غربی‌ها اویغورها دسته‌جمعی تربیت و منضبط می‌شوند. این امر در کل سیستم جهانی رایج بوده است و هست.

پس از شکست آلمان در جنگ امپریالیستی دوم تازه در سال ۱۹۵۲ یعنی در فاصله‌ی نسبتاً کوتاهی پس از بسته شدن آشویتس در پی برآمد جنبش مائوئو Mau Mau و جنگ در کنیا برای بازپس گرفتن سرزمین خویش و آزادی «ملی» بر اساس یاسای حاکم بر سیستم بین‌المللی، بخشی از کی‌کویوها Kikuyu (بزرگترین گروه قومی کنیا)، بالغ بر یک و نیم میلیون نفر در سال‌های ۵۰ توقیف و به اردوگاه فرستاده شدند یا دور روستایشان به عنوان نیم‌انسان و موجودات وحشی سیم خاردار کشیده شد. در تصاویری که در رسانه‌های گروهی غربی (یا دستگاه‌های تبلیغاتی و مغزشوئی بر حسب چامسکی) آن زمان منتشر می‌شدند، تلاش شد آنان وحشی، خونخوار و غیره به نمایش درآیند. «از همان شروع جنگ ۱۹۵۲ بر حسب افسانه‌ها [ی وسائل ارتباط جمعی اصلی غرب] ... مائوئو به عنوان یک فرقه‌ی دینی بربر، ضد مسیحی، ضد اروپائی معرفی شد که روند ماموریت متمدن‌سازی را از طریق ترور دچار اختلال کرد.» (کتاب) طبعاً هر شورش ضد هژمون‌های غرب (دینی و غیر دینی) توسط رسانه‌های غربی چنین تصویر می‌شود. گناه این بخش از

اهالی در کنیا این بود که باید از زمین حاصلخیز خود صرفنظر می‌کردند و آن را در اختیار مهاجرین قرار می‌دادند، به ارتش کار می‌پیوستند و برای انگلیسی‌ها روی زمینی که بیشتر به خودشان تعلق داشت، کار می‌کردند و نکردند. جالب است در پس سیم خاردار برای اهالی کلاس درس در مورد شهروند خوب گذاشته می‌شد، شهروندی که می‌تواند زمام مملکت را در آتیه به دست گیرد و در عین حال آن کسانی که می‌خواستند خودشان زمام کنیا را در دست بگیرند، اعدام می‌شدند و به همان کسانی که قرار بود شهروند خوب بشوند منجمله گرسنگی می‌دادند و کاربرد خشونت در مورد آنان، تجاوز به زنان (ص ۲۰۸) امری روزمره بود. بخشی از کی‌کویوها، بر حسب الکیتر حدود ۱۰۰ هزار نفر، در اثر گرسنگی، بیماری، شکنجه و خشونت سیستماتیک درگذشتند. دادگاه‌های فرمایشی، مضحکه‌ای که ما از دوران هیتلر، استالین، دوران مک‌کارتی در آمریکا، پهلوی، جمهوری اسلامی به خاطر داریم، در کنیا نیز تشکیل شدند. در این نمایش‌ها شورشیان مائو مائو محاکمه شده و سپس اعدام شدند. بر حسب برنارد پرتنر Bernard Porter کتاب اندرسن، «تاریخ اعدامی‌ها: جنگ کثیف در کنیا و پایان امپراطوری»، این دادگاه‌ها را به تصویر کشیده است.

مراسم توبه و رد دین بومی و اعتراف به «گناه» مائو مائوئی، گرویدن به مسیحیت یکی از مجاری خروج از اردوگاه بوده است که مبین همکاری کلیسای مسیحی با نیروهای انگلیسی در سرکوب است. الکیتر تصویر این مراسم و گفتگوی بین اسقف اعظم کنیا و گناهکار را چون زیر ارائه کرده است. لازم نیست گفته شود که پیش از اعتراف در اردوگاه چه بر سر معترفین می‌آمده است. بیشاپ در ردای رسمی در مقابل زنی گناهکار می‌ایستاده و از زن اعتراف می‌گرفته (ص ۲۳۱):

اسقف: آیا اعتراف می‌کنی که سوگند مائو مائوئی خورده‌ای؟

زن پاسخگو: اعتراف می‌کنم.

اسقف: آیا حقیقتاً از ارتکاب به این گناه پشیمانی!

زن پاسخگو: بله پشیمانم!

اسقف: آیا به سوگندت پشت پا می‌زنی و برای همیشه از آن را دوری می‌کنی!

زن پاسخگو: بله پشت پا می‌زنم.

اسقف: آیا تقاضای بخشش از طریق خون مسیح، منجی ما می‌کنی؟

زن پاسخگو: بله می‌کنم.

اسقف: آیا محکم در کنار مردم مسیحی در عبادت و شهادت خواهی ایستاد؟

زن پاسخگو: بله خواهم ایستاد.

اسقف: آیا تأیید می‌کنی که به کمک و رحمت الهی، به مسیحیت می‌پیوندى و بر علیه جهان، شهوات جسمانی و شیطان می‌جنگی؟

زن پاسخگو: بله تأیید می‌کنم، می‌پیوندم و می‌جنگم.

اسقف: آیا قول می‌دهی که منظم به دستورات ایمان مسیحی توجه کنی؟

زن پاسخگو: بله قول می‌دهم.

این مراسم انسان را به یاد مراسم اعتراف در حسینه‌ی اوین در دهه‌ی ۶۰ می‌اندازد، اختلاف در این است ضمن اعتراف توأبین به «جنایاتشان» در کنیا، شعارهای بقیه توأبین به گوش نمی‌خورند و گرنه شباهت بسیار این مراسم به آن مراسم قابل رویت است؛ کافی است به جای اسقف، مسیحیت و مائومائو لاجوردی، اسلام و یکی از سازمان‌های سیاسی را قرار داد. در کنیا طبعاً پس از اعتراف، زن دیگر متمدن تلقی می‌شده است، دقیقاً به خاطر اینکه بدل به «کاکا سیاه خوب» می‌شده است. «کاکا سیاه خوب» به زعم امه سزار به سیاهی اطلاق می‌توان کرد که نظر سفید پوستان را پذیرفته است. به جای «کاکا سیاه خوب» می‌توان «انسان متمدن» گذاشت و گفت انسان متمدن انسانی است که غرب را منجمله در بعد فرهنگی پذیرفته باشد.

اگر انسان محتاط باشد این اردوگاه‌ها را با اردوگاه‌های نازی‌ها مقایسه نمی‌کند، چرا که بر حسب سنت رایج راسیست‌های اروپائی به او برچسب یهودی ستیزی (آنتی‌سمیت) زده می‌شود. طبعاً به خانم الکیتر نیز به خاطر چنین مقایسه‌هایی انتقاد شده است. تا زمان انتشار کتاب بخش اعظم تاریخ میسیونار و بشردوستانه‌ی انگلیس در کنیا بازگو نشده بود، یکی از دلایل آن از بین بردن مدارک توسط دولت انگلیس و همکاران بومی آنان در کنیا است. نابودی اسناد باز شبیه نابودی اسناد توسط نازیها در پایان جنگ و شکستشان است، الکیتر نوشته است نابودی اسناد در «شب» خروج انگلیس از کنیا ۱۹۶۳ صورت گرفته است. نابودی اسناد اما به معنای نابودی شاهدهای عینی و روایت‌های آنان نیست که مصاحبه‌های الکیتر با آنان، یا رجوع به فرهنگ شفاهی یکی از مراجع کتاب است (یکی از دلایل اهمیت تاریخ شفاهی و از پایین همین است). الکیتر اتفاقاً توسط تاریخ‌نویسان از بالا به دلیل رجوع به تاریخ شفاهی مورد انتقاد قرار گرفته است. توسط اولین رئیس جمهور کنیا پس از استقلال، جومو کنیاتا Jomo Kenyatta، نیز به بهانه‌ی «آشتی» ملی حتی از جستجو و ابراز «حقیقت» نیز خودداری شد. اگر در آفریقای جنوبی بخشی از حقیقت در چارچوب هیئت «حقیقت و آشتی» (ماندلا-توتو) در مورد رژیم آپارتاید اسرائیل، اشتباه شد، رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی بیان شد، در کنیا از جستجو و ابراز حقیقت اصولاً صرف‌نظر شد. طبعاً این کشتار در تاریخ آفریقا یکتا نیست. اما چرا کمتر کسی از این وقایع اطلاع دارد؟ (پرسش الکیتر) جواب روشن است، بواسطه‌ی هژمونی فرهنگی غرب و سلطه‌ی آنان بر رسانه‌های جمعی- خبری اصلی در جهان! چنین مسائلی در وسائل ارتباط جمعی اصلی در جهان منعکس نمی‌شوند. (مگر اینکه یکی مثل آسانژ

پیدا بشود که قهرمانانه متعهد به حقیقت باشد، همچون هاملت بدل به محل تلاقی حقیقت و تراژدی، یا محل تلاقی آزادی و تراژدی بشود) خانم الکینز پس از حدود ۱۰ سال تحقیق و بررسی، به زعم بعضی مطالعه‌ی بی‌نقص مدارک باقیمانده، مصاحبه با صدها تن از بازماندگان کی‌کویوئی و غیره در کتابش به حکایت این سبعت قابل مقایسه با رفتار نازی‌ها تحت حکومت بشردوستانه‌ی الیزابت/چرچیل/ادن پرداخته است. علیرغم فاصله گرفتن تاریخ‌نگارانه موجه نویسنده از وقایع در سطح زبانی و ساخت نوشتار، کتاب را می‌توان یک گاهنامه‌ی جنایت و «داستان» آن تلقی نمود. کتاب اثر روحی‌ای را ندارد که کتاب‌های سولژنیتسین به جا می‌گذارند، البته این امر بر می‌گردد به نوع کتاب و نه به ناتوانی نویسنده و نباید آن را انتقاد به کتاب تلقی کرد! آثار خانم الکینز به زعم آنانی که هنوز خواب دوران «عظمت» امپراطوری را می‌بینند، متونی جانبدارانه و یک جانبه ارزیابی شده‌اند. (گویا انسان متعهد به حقیقت می‌تواند جانبدار نباشد). در چنین متونی هنوز به جنبش مائوماو همچون هم آنچه امروز به تمام جنبش‌ها و آزادی خواهان نیز نسبت داده شده و می‌شود، خشونت افراطی نسبت داده شده است و تلاش می‌شود کل فاجعه همچون دفاع انسان‌دوستانه از مسیحیان که مورد آزار و اذیت کی‌کویووها قرار گرفته‌اند، به تصویر در آید. جالب اینجاست که نویسنده منقد کتاب، خانم الکینز را به خاطر دیدگاه ضد کلونیالیست سرزنش می‌کند.

ایرانیان عظمت انگلیس تحت رهبری الیزابت را خودشان در جریان اشغال ایران و سه کودتای بشردوستانه در ایران عملاً تجربه کرده‌اند، با این همه گمان می‌کنم یکی دیگر از راه‌های فهم عظمت الیزابت، خواندن کتاب الکینز و تصور الیزابت بشردوست بر تخت سلطنت در حین اجرای ماموریت متمدن سازی در کنیا است. نوشته‌ی خانم الکینز گوشه‌ای از میراث الیزابت و قضاوت این جهانی در مورد دوران او را در بردارد. تذکر: در اینجا از بررسی شیوه‌ی تاریخ‌نگاری و دریافت از تاریخ نویسنده خودداری شده است. در اعتراف بالا به جای I do یا I will در جواب به اسقف اعظم فعل جمله‌ی قبل آورده شده است. مشخصات کتاب:

Caroline Elkins - Imperial reckoning: the untold story of Britain's Gulag in Kenya

در مورد بررسی کلونیالیستی کتاب به زیر رجوع شود:

<https://www.britishempire.co.uk/library/britainsgulag.htm>

همچنین رجوع شود به:

Bernard Porter, How did they get away with it Britain's Atrocities in Kenya · LRB 3 March 2005

<https://www.lrb.co.uk/the-paper/v27/n05/bernard-porter/how-did-they-get-away-with-it>